



«**همیزی در سینما**» **روی میز «هفت» / نقد و بررسی «یادگار جنوب»**

دهمین قسمت از برنامه «هفت»، ۱۱ بررسی فیلم «یادگار جنوب»، نقد فیلم «فیوریوسا» و پرونده ویژه پیرامون «همیزی در سینما» از شبکه نمایش پخش می‌شود.
دهمین قسمت از برنامه سینمایی «هفت» امشب، جمعه ۲۹ تیرماه از ساعت ۲۳ به آنتن شبکه نمایش می‌رود. در این برنامه، میز پرونده ویژه با حضور سید محمد حسینی عضو شورای پروانه ساخت و امیر قادری به موضوع «همیزی در سینما» اختصاص دارد. در میز نقد سینمای ایران نیز امیر قادری و محمد قربانی در حضور مجتبی رشوند (تهیه کننده) و حسین دوماری (کارگردان) به نقد و بررسی فیلم «یادگار جنوب» می‌پردازند. همچنین میز نقد سینمای جهان به فیلم «فیوریوسا» با حضور سید حمیدرضا قادری و ارش خوشخو اختصاص دارد.

صحبت از محرم که می‌شود اغلب رنگ‌ها با معنایی از پیش تعیین شده، همراه می‌شوند. سبز نماد شهادت. قرمز گاه رنگ خون شهادت و گاهی نماد شر. ارتباط خیر و شر با رنگ‌هایی که برای نمادهای عاشورایی به کار برده می‌شود، مرتبط به امروز و دیروز نیست.

بر اساس آنچه که در کتاب‌ها نیز آمده است، از آن زمان که بیند ها پای ثابت عزاداری محرم بودند و رنگ‌هایشان متغیر شد، رنگ سیاه که نشانه‌ی عزا بود، رنگ سرخ را که شهادت و غرق به خون شدن شهدا می‌دانستند؛ رنگ سبز هم مورد علاقه پیغمبر(ص) بود و نواده‌اش و مورد استفاده آنان در نظر می‌آوردند.

ارتباط میان رنگ و مفاهیم خیر و شر را می‌توان در نقاشی قهوه‌خانه ای یا همان خیالی‌نگاری به صورت واضح تر دید، البته بازتاب این معنا در دیگر شاخه‌ای هنر نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال هنرمندی با سبک دیگر، زمینه اثرش را با الهام گرفتن از فضای سیاه پوش محرم، سیاه در نظر گرفته و رنگ قرمز را به نشان خون شهدا بر اثر خود پاشیده است. هر چه هنرمند که اثری در باب محرم، امام حسین (ع) و عاشورا خلق می‌کند به شیوه‌ای با مفاهیم رنگ ارتباط برقرار می‌کند؛ اما در میان همه هنرمندان به نظر می‌رسد نقاشان قهوه‌خانه‌ای و خیالی‌نگاران ارتباط نزدیک‌تری با رنگ‌های تعریف شده در آثار مرتبط با وقایع عاشورا برقرار می‌کنند.

اولین علت این ارتباط شاید موضوع نقاشی‌های خیالی‌نگاری و قهوه‌خانه‌ای باشد. خیالی‌نگاران وقایع عاشورا را به نقش می‌آوردند. در این سبک از هنر عامیانه، رنگ شخصیت‌های داستان را تفکیک کرده و مخاطب بیننده را از خیر و شر، نیکی و بدی آگاه می‌کند.

از سوی دیگر خیالی‌نگاری نیز بسیار وابسته به رنگ است. رنگ در خیالی‌نگاری رابطه بسیار تنگاتنگی با قضاوت مخاطب دارد و انتخاب صحیح یا ناصحیح آن، موجب تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر ذهن بیننده است. تأثیر رنگ بر رنگ عواطف انسانی و برداشت شخصی در این شیوه از نقاشی قابل توجه است.

به همین سبب است که پژوهشگران معتقدند «رنگ متناسب با درجات مختلف نور و ظلمت گاه نماد سیر و سلوک و جهان غیب و زمانی تصویری از فضای زمینی (متناسب با درجات نفسانی و عوامل خیر و شر) بوده است.»

چگونه خیر و شر مسبب رنگ می‌شود؟

برای تأکید بر اهمیت رنگ و تأثیر آن بر مخاطب نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و خیالی‌نگاری، باید در نظر داشت که این شیوه از دل جامعه برآمده است. شیوه‌ای که حماسه‌های ملی و مذهبی را روایت کرده است و بسیار به موضوعاتی چون وقایع دینی و آیینی پرداخته و به همین سبب نیز ریشه در ذهن، هویت و اعتقادات ایرانیان دارد.

به سبب همین ریشه و دیگر موارد مطرح شده، رنگ و شیوه به کارگیری آن نیز در

چگونه خیر و شر مسببِ رنگ می‌شود؟



این سبک از آثار، ارتباط پیچیده‌ای با حافظه جمعی مردمان و ادراک جمعی آنان نیز دارد.

به عبارتی رنگ اولین عنصری است که نقش و شخصیت را در ذهن بیننده شکل می‌دهد و با استفاده از رنگ است که بخش مهمی از مفاهیم به بیننده منتقل می‌شود. در همین نقاط است که ارتباط میان رنگ و مخاطب به تبع آن شخصیت‌های نقش بسته بر بوم ایجاد می‌شود. در همین لحظاتی که بیننده به قضاوت نقش بر اساس رنگ می‌پردازد، بدیهی است که در این شرایط نقاشان خیالی‌نگاری نیز به دلیل انتقال مفاهیم

چرا عاشورا در نگاه حضرت زینب زیا بود؟

علیه‌السلام تبریک گفتند، به غصبت مقام ایشان پرداختند و جامعه را به عقب یعنی به ارزش‌های جاهلی بازگرداندند، نظام طبقاتی را حاکم کردند، سنت نبوی را تحریف کردند و مشغول امتیازدهی به اطرافیان شدند. در نهایت اینکه صفاتی‌های لشکر پیامبر به انحراف رفتند و در دام کسب حرام افتادند. در واقع از دین جز اسم و از قرآن جز پوسته‌ای باقی نمانده بود تا جایی که همین مسلمانان که مسیر ارتداد را پیش گرفتند، امیر مؤمنان را در محراب نمازش به قتل رساندند، نیزه بر ران‌ها در حسن گرفتند و با توطئه یهودیان، ایشان را با سم به شهادت رساندند و بعد زمینه‌های توطئه علیه امام حسین را فراهم آوردند.

در چنین شرایطی بود که امام حسین علیه‌السلام به خواست خدا قیام کرد و شعار خود را اصلاح وضعیت امت جدش پیامبر قرار داد؛ چرا که فساد امویان به حدی بود که قصد داشتند شجره اسلام را از ریشه بزنند و اسلام خودخواسته خود را حاکم کنند؛ اسامی سراسر تحریف قرآن و تحریف سنت نبوی، اسلامی سراسر خشونت و جاهلیت و در یک کلام، اسلام برهشی عتروت. در این موقعیت، یک خون با نگرانی نیاز بود تا قربانی دین اسلام و بلکه قربانی تمامی رسالت‌های پیشین انبیای الهی شود و نتیجه‌ی آن، بر سر راه آوردن مسیر دین حق در جای خود و تداوم این دین تا پایان دنیا شود؛ لذا در زیارت عاشورا، امام حسین را با لقب «ثار الله» می‌خوانیم، مفهومی به ظاهر ساده، اما دارای دریایی از معرفت، جالب است که ماجرای قتل امام حسین از همان آغازین دوران بشر یعنی ماجرای نبوت آدم علیه‌السلام مطرح بود و این قضیه سینه به سینه بین انبیا، می‌گشت تا اینکه به پیامبر اسلام رسید و ایشان نیز بارها از کربلا و ماجرای قیام امام حسین یاد کردند طوری که تمام اطرافیان و صحابه ایشان کاملاً نسبت به ماجرای عاشورا اشراق پیدا کرده بودند. بنابراین قیام امام حسین علیه‌السلام برنامه‌ای از پیش تعریف شده نزد خداوند و خوبان بشر بوده؛ حدیثی هم از همان جواد علیه‌السلام نقل است که فرمود «أول ما جرى به القلم غُلیّ اللوح، قتل الحُشَین»؛اولین چیزی که با قلم بر لوح نوشته شد، نهضت حسین بود. در نهایت اینکه تاریخ گویای آن است که با شهادت امام حسین علیه‌السلام عده زیادی از مسلمانان به خود آمدند، گروه‌های زیادی که به امام پشت کرده بودند، اپرز بشمی‌ای کردند تا حدی که عده‌ای از آنان در همان دوره و حتی بعدها دست به قیام علیه امویان زدند، طوری که زمینه نابودی گرایش مسلمانان به محبت عتروت شد.

قیام حسینی، نابودی اسلام اموی
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و به یادگار از خویش برای امت تا قیامت باقی گزارده که کتاب خدا و عزت و بزرگداشت بود و فرمودند تا زمانی که به این دو چنگ نزند، هرگز گمراه نخواهید شد. اما بلافاصله زمانی که حضرت رحلت کرد، همان امتی که اندکی قبل در روز غدیر به خلیفه برحق پیامبر یعنی امیرالمؤمنین

عمیلات نامنظم «فتح۱» نام دارد که در منطقه شمالی استان موصل عراق و حوالی شهر «تروش» بود. این حمله با رمز «یارسول الله» در شامگاه ۲۸ تیر امده ۱۳۴۶هـ با هدف انهدام تأسیسات نظامی- اقتصادی دشمن و حمایت از مبارزین عراق آغاز شد.

توصیف سردار سنجریان از عملکرد قارگاه رمضان نیروی عمل کننده ایران در این عملیات، یعنی «گردان مالکاکشر تیپ ۶۶۶ نیروهای ویژه‌ی هوایبر با تقدیم یک شهید (حسین ترکمن‌پور) و چهار مجروح، عملیات ویژه خود را در قِزار تک مستقیم (با بهره‌گیری از نیروهای تکاور) و هیرمان قِزار تک ادواتی (با بهره‌گیری از نیروهای راکت‌انداز مینی کاتیوشا و خمپاره‌انداز

دهمین قسمت از برنامه «هفت»، ۱۱ بررسی فیلم «یادگار جنوب»، نقد فیلم «فیوریوسا» و پرونده ویژه پیرامون «همیزی در سینما» از شبکه نمایش پخش می‌شود.
دهمین قسمت از برنامه سینمایی «هفت» امشب، جمعه ۲۹ تیرماه از ساعت ۲۳ به آنتن شبکه نمایش می‌رود. در این برنامه، میز پرونده ویژه با حضور سید محمد حسینی عضو شورای پروانه ساخت و امیر قادری به موضوع «همیزی در سینما» اختصاص دارد. در میز نقد سینمای ایران نیز امیر قادری و محمد قربانی در حضور مجتبی رشوند (تهیه کننده) و حسین دوماری (کارگردان) به نقد و بررسی فیلم «یادگار جنوب» می‌پردازند. همچنین میز نقد سینمای جهان به فیلم «فیوریوسا» با حضور سید حمیدرضا قادری و ارش خوشخو اختصاص دارد.

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۴۷۷

۳۰ تیر ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید

www.serajonline.com – @serajname

۵ فرهنگ و هنر

نامهٔ امام حسین علیه السلام به حبیب بن مظاهر



حجت الاسلام دکتر مجتبی خندان

خود

چرا پیغمبر سر به سجده می گذاشت و گریه می کرد و می فرمود: «لَهِیْلُمُ لَا تَکَلِّنِی اِلَی نَفْسِی طَرَفَهُ عَیْنُ اَنَا»؛ خدایا مرا به خود وابنگذار، چون اگر خدا انسان را به خودش واگذارد کند و دست توفیقش را از سرش بردارد مثل ماشین ترمز بریده در سرازیری می‌شود که کسی نمی‌تواند آن را نگه دارد. ما این قدر قدرت نداریم که بگویم با عقلمان را به وجدانمان خود را حفظ می‌کنیم، در اوج گناه و معصیت نه عقل کار می‌کند، نه وجدان.

پیوه‌دگی پیداری برخی از وجدانها

وجدان غالباً بعد از گناه بیدار می‌شود. آن‌ا وقتی بعب در هیروشیما و ناگازاکی انداخت، وقتی سرگرد کولت انسان‌ها را کشت و سوزاند، وقتی دوست هزار انسان را در ژاپن با یک بمب و با فشار یک دکمه از بین برد بعد پشیمان شد، صلا دیگر نمی‌شود این‌ها را زنده کرد، پشیمانی فایده ندارد، بعد وجدانش آمد و او را مذمت کرد. وقتی زلیخا یوسف را به زندان انداخت و آن‌ها از اسباب افتاد و به یوسف همت زد شد و زندانی شد، قرائن آن می‌گوید که بعد رفت سریع وجدانش، گفت: «اِنَّ خَصَمَّیْنَ الْحَقِّ» حالا حق را فهمیدم، یوسف بی گناه بود، تقصیر من بود. جبران بعضی از ضررها سخت است، هزینه بعضی از ضررها سنگین است، عمر سعد بعد از کربلا پشیمان شد، خولی پشیمان شد عبیدالله حر جوفی پشیمان شد، اما حالا کسی که پیاید خون امام حسین را برگرداند گاهی در مورد بعضی از اتفاقات و تصادفات انسان می‌گوید اگر فلان کار را نکرده بودم ماشین تصادف نمی‌کرد که پنج نفر را در دست بدهم، بله اگر کرده بودی ولی حالا دیگر پشیمانی سودی ندارد، هزینه و جبران بعضی از پشیمانی‌ها سنگین است، لذا توفیق می‌خواهد که حبیب این توفیق را داشت، مسلم بن اوسجه توفیق داشت، حتی این یزید راحی توفیق داشت، زمینه برای زهیر هم فراهم شد، زهیر عملی مذهب است و نقل کرده‌اند که از ابتدا در خط امام حسین نبوده است.

توفیق والادب

اتفاق در روز عاشورا کسی همین موضوع را مطرح کرد، گفت: زهیر، تو با امام حسین نبودی، این چرا که کار می‌کنی؟ او گفت: من نبودم، اما شجاعتش را هم دارم که بگویم من او را دعوت نکردم در جنگ بدر نیز گاهی پدر در سیاه دشمن او به پسر در سیاه اسلام.

از خدا خواهیم توفیق ادب

بی ادب محروم شد از لطف رب

بی تنه‌ا نه خود را داشت بد

بلکه آتش بر همه افرا زد

اگر کسی توفیق مؤذّب بدون مقابل پدر و مادر را نداشت، بالاخره پدر و مادر، ممکن است صبر و تحمل کنند، اما این فرزند بی ادب عاقبت به خیر نمی‌شود، و الاّوش با او همین گونه برخورد می‌کنند، در زندگی و کسب و کارش برکت پیدا نمی‌شود، در زندگی‌اش گره ایجاد می‌شود. این که انسان به پدر و مادر خدمت نکند، احترام بزرگتر از حفظ کند و در مجلس امام حسین شرکت کند، این‌ها همه توفیق می‌خواهد. قرائن این شریک «وَلَا یُفْضِلُ اللهُ عَلَیْکُمْ وَرَثَتَهُ» زکا می‌کنم منْ اُخْد اَبْنَاءُ»؛ اگر فضل و لطف و عنایت خدا نباشد، شما موفق نمی‌شوید. سؤال، ما از کجا توفیق پیدا می‌کنیم؟ این توفیقی که بیرومضان دربارهٔ آن می‌فرماید: «توفیق رَأٰی السَّعَادَةِ، التوفیق اَوَّلُ التَّعَمُّه»؛ اولین نعمت در زندگی انسان توفیق است، اولین سعادت، توفیق است. این توفیق را از کجا می‌توان پیدا کرده من چند راه را برای شما بیان می‌کنم، ۱. تفکر واندیشه

گفته‌اند یکی از راههای کسب توفیق، تفکر است. بیرومضان می‌فرماید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توفیق حاصل می‌شود. اندیشه توفیق می‌آورد. می‌پایند چرا؟ پاسخ این است: اگر انسان نشست و اندیشه کرد که سلیمانی بود، قارونی بود، هارونی بود، موسی‌ای بود و همه رفتند این توفیق پیدا می‌کند، بیرومضان می‌گوید: «مَنْ تَفَكَّرَ فِی اَلاَهِ اِلَهِهِ سَبَّحَتْهُ وَفَّقَ»؛ اگر انسان در نعمت‌های خدا، در تاریخ و حوادث گذشته فکر کند، برای او توف